

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵، صفحات: ۱۲۲-۱۰۳

بررسی و تبیین آثار سیاسی اندیشه وهابیت بر جهان اسلام، از سال ۱۹۰۰ میلادی تا عصر حاضر

مصطفی فرهودی*

رضا پورعلی سرخه دیزج**

چکیده

در پژوهش حاضر، اندیشه و آیین وهابیت به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر تحولات سیاسی جهان اسلام مورد توجه قرار گرفت و آثار و پیامدهای سیاسی این اندیشه بر جهان اسلام از سال ۱۹۰۰م تا عصر حاضر، بررسی و تبیین گردید؛ بر اساس این پژوهش، اندیشه وهابیت گفتمانی است که مبنای آن، تکفیر اهل شهادتین است. در سال‌های آغازین این اندیشه، یک شکاف کلی در درون آن ایجاد شد و در اثر آن، اندیشه وهابیت به دو قسم اندیشه اقصایی و اندیشه احتوایی تقسیم گردید. هر کدام از این دو اندیشه، منشا برخی آثار سیاسی در جهان اسلام از سال ۱۹۰۰م تا عصر حاضر بوده‌اند. آن آثار عبارت‌اند از:

۱. پایه‌گذاری نظام پادشاهی سعودی توسط ملک عبدالعزیز، با همراهی وهابیان اقصایی.
 ۲. استمرار نظام سعودی به دلیل ترویج اقتدارگرایی و نیز مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی این نظام توسط اندیشه احتوایی.
 ۳. ایجاد زمینه لازم برای دخالت بیگانگان در مسائل جهان اسلام.
 ۴. تضعیف کشورهای اسلامی در اثر جنگ داخلی.
- کلیدواژه‌ها: وهابیت، آثار سیاسی، تکفیر، اهل شهادتین، اقتدارگرایی، جهان اسلام، احتوایی، اقصایی.

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ mfarhoudi2@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پژوهشگر موسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت (ع)

www.pooralirrr@gmail.com

مقدمه

امروزه و در عصر چند قطبی نظام بین‌الملل، جهان اسلام و تحولات سیاسی آن، ارتباط عمیقی با تحولات نظام آنارشیکی بین‌الملل دارند؛ به‌همین دلیل، پژوهش‌گران، اندیشمندان و حتی اندیشکده‌های فعال در حوزه سیاست، به‌خصوص آینده‌پژوهی سیاسی، توجه‌ای ویژه به جهان اسلام و تحولات آن و مخصوصاً منشأ تحولات دارند؛ با توجه به اینکه اندیشه و آیین وهابیت، یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر تحولات سیاسی جهان اسلام در عصر حاضر است. در پژوهش حاضر با بررسی و تبیین آثار سیاسی اندیشه وهابیت بر جهان اسلام از سال ۱۹۰۰م تا عصر حاضر، به یاری خداوند سبحان قصد داریم، به یافته‌هایی دست‌یابیم که شاید در تبیین و تحلیل و نیز آینده‌پژوهی تحولات جهان اسلام و به‌دنبال آن، تحولات نظام بین‌الملل، مورد توجه پژوهش‌گران، اندیشمندان و فعالان حوزه سیاست و آینده‌پژوهی سیاسی قرار گیرد.

تاکنون هیچ تحقیق و پژوهش مستقلی درباره آثار و پیامدهای سیاسی اندیشه وهابیت بر جهان اسلام صورت نگرفته و نوشتار حاضر، اولین پژوهش مستقل در این حوزه است.

در این نوشتار، ابتدا به تبیین ماهیت اندیشه وهابیت خواهیم پرداخت؛ آن‌گاه آثار سیاسی اندیشه مذکور بر جهان اسلام از سال ۱۹۰۰م تا عصر حاضر را بررسی و تبیین خواهیم نمود.

تبیین ماهیت اندیشه وهابیت

اندیشه وهابیت گفتمانی است که مبنای آن تکفیر اهل قبله است.^۱ وهابیان با تسمک به برخی از مفاهیم شایسته و پذیرفته‌شده در خوانش صحیح اسلامی، مانند توحید در عبادت، به تکفیر اهل شهادتین اقدام می‌نمایند^۲ و قرائتی از اسلام ارائه می‌دهند که در

۱. «اندیشه وهابیت هدف اصلی خود را تکفیر مسلمانان و اهل شهادتین قرار داده است. در این اندیشه از ابزارها و روش‌های مختلفی برای تکفیر اهل قبله بهره گرفته شده است؛ ولی آنچه بیش از سایر ابزارها مورد توجه قرار گرفته، اساسی‌ترین مفهوم اسلام یعنی توحید و مخصوصاً توحید در عبادت است»؛ (ابن عثیمین، محمد، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۶-۱۲؛ بن‌باز، عبدالعزیز؛ ابن عثیمین، محمد، فتاوی مهمة لعوم الامة، ص ۱۰-۸).

۲. همان.

آن، وظیفه اصلی یک فرد، تکفیر مسلمانان و نیز مبارزه با آنها به دلیل اهتمام ایشان به اموری مثل توسل، استغاثه، زیارت قبور و... است.^۱

البته اندیشه وهابیت، اندیشه منسجم و یکپارچه‌ای نیست و خود، به ریز اندیشه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. از همان سال‌های آغازین پیدایش اندیشه وهابیت، یک شکاف اصلی در این اندیشه ایجاد شد و وهابیان به دو طیف کلی اقصایی و احتوایی تقسیم شدند.^۲ اقصایی‌ها علاقه بیشتری به تکفیر دارند و به هیچ وجه از مواضع تکفیری خویش کوتاه نمی‌آیند؛^۳ در مقابل، احتوایی‌ها در برخی موارد و بر اساس مصلحتی که تشخیص می‌دهند، مواضع متعادل‌تری نسبت به اقصایی‌ها اخذ می‌کنند.^۴

به هر حال، اندیشه تکفیری وهابیت، آثار سیاسی متعددی را در جهان اسلام برجای گذاشته که برخی از این آثار، ریشه در اندیشه احتوایی دارند و برخی دیگر حاصل اندیشه اقصایی هستند.

آثار و پیامدها

۱. پایه‌گذاری نظام پادشاهی سعودی

نظام پادشاهی عربستان سعودی حاصل مقابله بریتانیا با خلافت عثمانی و در نتیجه، حمایت این کشور از آل سعود است.^۵ عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل، (معروف به ملک عبدالعزیز)، بنیان‌گذار و اولین پادشاه کشور عربستان سعودی پس از تسلط ابن-رشید بر ریاض، به جهت حفظ جان خویش به کشور کویت گریخت و در پناه شیخ مبارک مقیم شد.^۶ انگلیس که قصد داشت از قبایل عرب در جنگ علیه خلافت عثمانی بهره بگیرد، دو افسر نفوذی خود به نام توماس ادوار لارنس و ویلیام شکسپیر را نزد دو

۱. همان.

۲. لاکروا، ستیفان، *زمن الصحوة/ الحركات الاسلامية في السعودية*، ص ۲۴-۲۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. الگار، حامد، وهابگیری، ص ۳۹-۴۳؛ سجادی، صادق، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل آل سعود*، ج ۲، ص ۳۹-

۲۴.

۶. لوتسکی، ولادیمیر، *تاریخ عرب در قرون جدید از قرن شانزدهم میلادی تا پایان نخستین جنگ جهانی*، ص ۵۳۴.



خانواده موثر شبه جزیره عربستان یعنی آل سعود و شرفای مکه فرستاد.^۱ توماس به اردوگاه شریف حسین و شکسپیر نزد ملک عبدالعزیز رفت و پس از کشته شدن وی در جنگ ملک عبدالعزیز با ابن رشید، سنت جان فیلیپ جایگزین او شد.^۲

انگلیس به واسطه این افسران به هر دو فرد یعنی ملک عبدالعزیز و شریف حسین وعده پادشاهی شبه جزیره عربستان بعد از فروپاشی خلافت عثمانی را داده بودند.^۳ در اثر این وعده و با حمایت انگلستان، ملک عبدالعزیز در سال ۱۳۱۹ق، ریاض را فتح کرد^۴ و در سال ۱۳۲۲ق، قلمرو سعودی‌ها را به مرزهای سابق برگرداند.^۵ در سال ۱۳۲۳ق نیز، آل رشید را به سختی شکست داد.^۶

بعد از فروپاشی خلافت عثمانی در سال ۱۳۴۲ق، شریف حسین با خام‌اندیشی، خود را خلیفه کل مسلمانان خواند؛^۷ در نتیجه ملک عبدالعزیز به دستور کمیته خلافت اسلامی هندوستان که زیر نفوذ انگلستان بود با او وارد جنگ شد؛^۸ پس از شکست شرفای مکه، ابن سعود در سال ۱۳۴۴ق به عنوان سلطان حجاز و نجد و ملحقات آن بر تخت نشست.^۹ در سال ۱۳۵۲ق نیز، فرمان یک پارچه شدن سرزمین‌های تحت تسلط عبدالعزیز صادر گشت و کشور پادشاهی عربستان سعودی تاسیس گردید.^{۱۰}

بازوی عملیاتی ملک عبدالعزیز در لشکرکشی‌ها و جنگ با مخالفان، اخوان التوحید بود.^{۱۱} اعضای این گروه همانند شمشیری بُران در دست عبدالعزیز بودند.^۱ عبدالعزیز با

۱. الگارد، حامد، وهابیگری، ص ۴۳-۳۹؛ سجادی، صادق، دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل آل سعود، ج ۲، ص ۳۹-۲۴.
۲. همان.
۳. سعید سلیمان، احمد، تاریخ الدول الاسلامیة و معجم الاسر الحاکمیة، ج ۱، ص ۲۲۵.
۴. همان.
۵. لوتسکی، ولادیمیر، تاریخ عرب در قرون جدید از قرن شانزدهم میلادی تا پایان نخستین جنگ جهانی، ص ۵۳۷-۵۳۶.
۶. همان.
۷. الگارد، حامد، وهابیگری، ص ۴۳-۳۹؛ لنچافسکی، ژرژ، تاریخ خاورمیانه، ص ۴۳۸.
۸. الگارد، حامد، وهابیگری، ص ۴۳-۳۹؛ سجادی، صادق، دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل آل سعود، ج ۲، ص ۳۹-۲۴.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. جمعی از نویسندگان، موسوعة المملكة العربية السعودية، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

جامعه‌ای روبه‌رو بود که شصت درصد اعضای آن جامعه را، اهل بادیه و صحرانشینان تشکیل می‌دادند.^۲ وی آبادی‌هایی را در کنار چاه‌های آب تاسیس کرد و در سال ۱۳۳۰ق، بادیه‌نشینان را مجبور به سکونت در آن آبادی‌ها نمود.^۳ او آموزش‌های دینی شهرک‌نشینان را به شیخ عبدالله بن عبداللطیف^۴ سپرد.^۵ بادیه‌نشینان پس از سکونت در شهرک‌ها و آموختن تعالیم وهابیت، با عبدالعزیز هم‌پیمان شدند و با الهام از آیه ۱۰۳-سوره آل‌عمران،^۶ خود را اخوان التوحید نامیدند.^۷ تعالیم وهابیت از بادیه‌نشینان، انسان‌هایی جان‌فشان و شجاع ساخته بود؛^۸ به‌گونه‌ای که ایشان سوار بر شتر شده و با شمشیر و دیگر سلاح‌های سنتی و نیز تفنگ‌های ساده، صدها کیلومتر حرکت می‌کردند و در برابر تسلیحات سنگین مانند هواپیما و تانک و نفربر از خود مقاومت نشان می‌دادند؛^۹ البته اخوانی‌ها بر پایه اعتقاد سخت‌گیرانه وهابیت درباره توحید، به کوچک‌ترین بهانه‌ای افراد را کافر شمرده و به کشتار و نیز غارت اموال آنان اقدام می‌کردند.^{۱۰}

حاصل سخن اینکه: ملک عبدالعزیز بدون اخوان التوحید، توان وسعت‌بخشی به قلمرو حکومت خویش و در نهایت پایه‌گذاری عربستان سعودی را نداشت. اساسا یکی

۱. همان.

۲. جمعی از نویسندگان، المملكة العربية السعودية في مائة عام، ج ۱۲، ص ۳۲۷-۳۲۶.

۳. عسه، احمد، معجزة فوق الرمال، ص ۶۲؛ بسام، عبدالله بن محمد، تحفة المشتاق في اخبار نجد و الحجاز و العراق، ص ۳۷۷؛ فیلی، عبدالله، تاریخ نجد و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۴۱۱.

۴. «عبدالله بن لطیف در میان شهرک‌نشینان جایگاه بسیار مهم و پر نفوذی یافت؛ به‌طوری که پس از درگذشت وی در سال ۱۹۲۲م، عبدالعزیز گفت: امروز من حاکم نجد هستم»؛ (رشید، مضاوی، تاریخ العربية السعودية بین القديم و الحديث، ص ۹۵).

۵. «عبدالعزیز مبدع شهرک‌نشین نبوده است؛ بلکه شیخ عبدالله بن عبداللطیف و شیخ عیسی قاضی احساء و شیخ عبدالکریم مغربی مؤسسان حرکت شهرک‌نشین بادیه‌نشینان بوده‌اند»؛ (فاسیلیف، ایلکسی، تاریخ العربية السعودية، ص ۲۹۵).

۶. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ».

۷. «بر اساس این آیه، خداوند به مومنان تذکر می‌دهد که پیش از اسلام با هم دشمن بودید؛ اما اکنون به برکت اسلام و ایمان، برادران یک‌دیگر هستید»؛ (کشک، محمد جلال، السعودیون و الحل الاسلامی مصدر الشرعية للنظام السعودی، ص ۵۵۵).

۸. زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموس تراجم الشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۲، ص ۳۰۰.

۹. همان.

۱۰. همان.



از عوامل اصلی پیروزی ملک عبدالعزیز بر رقیب سیاسی خویش (یعنی شریف حسین)، حمایت ارتش تکفیری اخوان التوحید از عبدالعزیز بود.^۱ ارتشی که بر پایه اندیشه اقصایی وهابیت،^۲ به هیچ وجه از مواضع تکفیری خویش کوتاه نمی آمدند و با متهم ساختن مسلمانان به کفر و ارتداد، به هر میزان که ملک عبدالعزیز نیاز داشت، برای او در سرزمین های اسلامی نظیر مکه، مدینه، ریاض و... قتل، کشتار و جنایت انجام می دادند و به قلمرو حکومت ملک عبدالعزیز وسعت می بخشیدند.

۲. استمرار حکومت سعودی

ملک عبدالعزیز بعد از رسیدن به قدرت و پایه گذاری کشور عربستان سعودی، با سرکوب اخوان التوحید، از ایدئولوژی پیش از قدرت، یعنی اندیشه وهابی اقصایی دست برداشت و به ایدئولوژی پس از قدرت و اندیشه وهابی احتوایی روی آورد؛^۳ چراکه عبدالعزیز برای استمرار حکومت خویش نیاز به یک سری اقدامات داشت که اندیشه وهابی اقصایی و عدم عقب نشینی پیروان این اندیشه از مواضع تکفیری خویش، به وی این اجازه را نمی داد که به اقدامات مذکور مبادرت ورزد؛ به همین دلیل، ایدئولوژی پس از قدرت (یعنی اندیشه احتوایی) را جایگزین اندیشه اقصایی کرد.

واقعیت این است که مبنای گفتمان اندیشه احتوایی نیز تکفیر اهل شهادتین است؛ ولی این اندیشه و پیروان آن، این آمادگی را دارند که به هر میزان که حکام سعودی اراده کنند، از مواضع تکفیری خویش کوتاه آیند و به عملکرد حکام سعودی مشروعیت لازم را اعطا کنند.^۴

خلاصه اینکه، استمرار حکومت سعودی وابسته به متغیرهای گوناگونی است که اندیشه وهابی احتوایی، عهده دار تامین برخی از این متغیرها است؛ به عنوان مثال، می توان به رواج اقتدارگرایی و نیز مشروعیت بخشی به عملکرد نظام پادشاهی سعودی در حوزه سیاست خارجی اشاره کرد که از متغیرهای اساسی در این زمینه به حساب می آیند

۱. ریحانی، امین، تاریخ نجد الحدیث، ص ۳۳۲-۳۳۱.

۲. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة فی السعودية، ص ۲۵.

۳. همان.

۴. بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۱۸، ص ۴۴۰-۴۳۹.

و منشأ اصلی آنها اندیشه احتوایی است.

۲ / ۱. رواج اقتدارگرایی

نظام پادشاهی عربستان سعودی، یک نظام اقتدارگرا است؛ به همین دلیل برای بقای خویش نیازمند اندیشه‌ای است که اولاً، به لحاظ نظری و تئوریک، اقتدارگرایی را در جهان اسلام به‌خصوص در کشور عربستان سعودی، رواج دهد؛ ثانیاً، به لحاظ عملی به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های سیاسی مسلمانان به‌خصوص ظرفیت‌های انقلابی و جهادی ایشان پاسخ مثبت دهد و با ارائه‌ی جایگزین مناسب (آلترناتیو)، امکان شورش یا انقلاب علیه نظام اقتدارگرای سعودی را به حداقل ممکن برساند.

با توجه به توضیح مذکور، هرچند اندیشه اهل سنت به‌خصوص نوع نگاه آنها به مسئله خروج بر حاکم،^۱ به لحاظ نظری مروج اقتدارگرایی در جهان اسلام است؛ ولی این اندیشه مبنای گفتمان خویش را تکفیر اهل شهادتین قرار نداده^۲ و به‌همین دلیل نمی‌تواند، جایگزین مناسبی ارائه دهد و مانع از شورش و قیام علیه حکومت‌ها و نظام‌های اقتدارگرا شود؛ در مقابل، اندیشه وهابی احتوایی، با تأکید بر تکفیر اهل شهادتین در گفتمان خویش^۳ و البته با کوتاه آمدن از مواضع تکفیری خود در صورت نیاز و متناسب با مصالح حکام سعودی،^۴ اولاً، به لحاظ عملی، جهاد و قیام علیه سایر مسلمانان (مسلمانان غیر وهابی) را جایگزین جهاد و قیام علیه حکام اقتدارگرای سعودی می‌کند، که نتیجه آن کاهش مشارکت سیاسی مردم، مخصوصاً در مسائل مربوط به حکومت و نظام حاکم است؛ ثانیاً، برخلاف اندیشه اقصایی، با کوتاه آمدن از مواضع تکفیری خویش، متناسب با عملکرد حکام سعودی، به آنها این امکان را می‌دهد

۱. «به اعتقاد علما و اندیشمندان اهل سنت، خروج و قیام علیه حاکم حرام است؛ حتی اگر وی ظالم یا فاسق باشد»؛ (نوی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۲، ص ۲۲۹)؛ (ابو‌ابراهیم مزنی، اسماعیل بن یحیی، شرح السنة معتقد اسماعیل بن یحیی المزنی، ص ۸۴)؛ (ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل، رسالة الی اهل الثغر بباب الابواب، ص ۱۶۸).

۲. نوی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابن‌نجیم، زین‌الدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. ابن‌عثیمین، محمد، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۶-۱۲؛ بن‌باز، عبدالعزیز؛ ابن‌عثیمین، محمد، فتاوی مهمة لعموم الامة، ص ۱۰-۸.

۴. بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۱۸، ص ۴۴۰-۴۳۹.



که آزادانه و بدون اینکه نگران افکار عمومی مسلمانان سعودی و نیز سایر مسلمان‌های متاثر از اندیشه احتوایی باشند، در حوزه داخلی و خارجی هر سیاستی را که می‌خواهند به اجرا درآورند.

بنابراین بهترین گزینه برای نظام اقتدارگرای سعودی، نه اندیشه اهل سنت است که قادر به ارائه جایگزین نیست و نه اندیشه وهابی اقصایی است که هرچند توان ارائه جایگزین مناسب (آلترناتیو) را دارد، ولی با اصرار بر مواضع تکفیری خود حتی نظام سعودی و حکام این کشور را نیز از مواضع تکفیری خویش مصون نمی‌داند و مانع از اقتدارگرایی آنها می‌شود؛ لذا گزینه برتر اندیشه تکفیری احتوایی است.

ناگفته نماند که رواج اقتدارگرایی به عنوان یک اثر سیاسی مادر و منبع، خود آثار سیاسی متعددی را به دنبال دارد که در ادامه به یکی از آثار مهم در این باره اشاره می‌گردد.

۱ / ۱ / ۲. ترویج سیاست‌های افراطی و خشونت‌آمیز

بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا، سیاست خارجی کشورها مانند یک متغیر، وابسته‌ی برآیند پنج متغیر مستقل است که متغیر حکومتی و بوروکراتیک، یکی از پنج متغیر مذکور است.^۱ مراد از منابع یا متغیرهای حکومتی، جنبه‌های ساختاری حکومت-هاست که گزینه‌های پیش‌روی سیاست‌گذاران را افزایش داده و یا محدود می‌سازند.^۲

حال با توجه به توضیح مذکور باید گفت: در طول تاریخ، همواره شاهد اتخاذ سیاست‌های قهرآمیز و افراطی توسط برخی از کشورهای اسلامی به خصوص عربستان سعودی در مناسبات خارجی این کشورها بوده‌ایم که حمله به یمن در ۲۵ مارس ۲۰۱۵م، به رهبری عربستان سعودی^۳ و حمایت از گروه‌هایی نظیر داعش در پیشبرد اهداف منطقه‌ای،^۴ نمونه‌ای از این سیاست‌ها است. قطعا عوامل و متغیرهای مختلفی در اتخاذ چنین سیاست‌هایی توسط دور میز نشینان سیاست خارجی کشورهای مذکور،

۱. دهقانی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۷-۱۳.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. طبران العدوان یثن ثلاث غارات علی عسیر، سایت خبری سبأ نت (موقع وكالة الأنباء اليمنية)، ۷ می ۲۰۲۰.

<https://www.saba.ye/ar/news3096210.htm>

۴. مسئول نروییجی، السعودية مملكة الارهاب و قد شارکت فی تمويل داعش، سایت خبری وكالة الأنباء المستقلة، ۶ مه ۲۰۱۸، لینک:

https://mapnr.blogspot.com/2018/05/blog-post_9.html

تاثیرگذار است؛ اما همان‌طور که اشاره شد، یکی از عوامل و متغیرهای مهم و تاثیرگذار در این مسئله، ماهیت و ساختار نظام‌های حکومتی این کشورها است. کشورهای مذکور دارای نظام‌های اقتدارگرا و غیر دموکراتیک هستند؛ به همین دلیل، به سیاست‌های قهرآمیز و به کارگیری زور در مناسبات خارجی خود علاقه بیشتری دارند؛ چراکه در نظام‌های اقتدارگرا و غیر دموکراتیک، برخلاف نظام‌های مردم‌سالار، بازیگران کمتری در فرایند سیاست خارجی حضور و مشارکت دارند؛ به همین دلیل در اغلب موارد، نظام‌های مذکور در مناسبات خارجی خود به صورت قهرآمیز و منازعه‌جویانه رفتار و اقدام می‌کنند؛^۱ در مقابل، نظام‌های مردم‌سالار به دلیل فقدان عامل مذکور در مناسبات خارجی، رفتاری مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه از خود نشان می‌دهند.^۲

حاصل سخن اینکه (همان‌طور که گذشت)، خوانش وهابیان احتوایی از اسلام، موجب ترویج اقتدارگرایی و حذف بسیاری از بازیگران از فرایند سیاست خارجی کشورهای نظیر عربستان سعودی است؛ در نتیجه، رهبران این کشورها به دلیل انحصار و اختصاص حق تصمیم‌گیری به آنان، از آزادی عمل زیادی در به کارگیری زور، قهر و خشونت در سیاست خارجی خود برخوردار هستند.

۲/۲. مشروعیت بخشی به سیاست خارجی نظام سعودی (سازش و ایجاد ائتلاف با قدرت‌های بزرگ)، بر اساس آخرین تحقیقات، تقریباً یک چهارم جمعیت مسلمانان است.^۳ جهان اسلام (سرزمین‌هایی که بیشتر مردم آن پیرو دین اسلام هستند) نیز، تقریباً مشتمل بر شصت کشور در آسیا، اروپا و آفریقا است.^۴ همواره میان ایران و عربستان در مسئله رهبری جهان اسلام و اینکه کدام کشور ام‌القرای آن باشد، اختلاف بوده است؛ چراکه اگر هرکدام از این دو کشور، رهبری جهان اسلام را در دست بگیرد، این جهان مسیری کاملاً متفاوت از مسیر تعیین شده توسط کشور رقیب را طی خواهد کرد. ایران تلاش دارد با تکیه بر اسلام سیاسی که تقریباً الگوی کامل و موفق آن توسط انقلاب

۱. دهقانی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۱.

۲. همان.

۳. «یک چهارم جمعیت جهان مسلمان است»؛ (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۸ اکتبر ۲۰۰۹)؛

https://www.bbc.com/persian/world/2009/10/091008_ba-world-muslims.

۴. گلی‌زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، ص ۶۱.

اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه شده، جهان اسلام را در محور مقاومت، حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با استکبار جهانی به حرکت درآورد؛ در مقابل، عربستان سعودی نیز تلاش می‌کند با کسب جایگاه ام‌القرایی و رهبری جهان اسلام، ظرفیت و پتانسیل عظیم مسلمانان را صرف سازش با استکبار جهانی و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا کند و جهان اسلام را در چهارچوب سیاست‌های ابلاغ شده توسط غرب، به خصوص متحد اصلی این کشور یعنی آمریکا به حرکت درآورد.^۱

روشن است که عربستان سعودی برای رسیدن به این جایگاه و هدف، باید خود را کشوری اسلامی معرفی کند؛ بنابراین نیاز به خوانش و قرائتی از اسلام دارد که اولاً، به لحاظ تئوری و نظری مسلمانان را به این باور برساند که باید تابع تصمیمات اخذ شده توسط پادشاهانی مانند حکام سعودی باشند و تصمیمات ایشان مبنی بر سازش با استکبار جهانی و ایجاد ائتلاف با قدرت‌های بزرگ را بپذیرند؛ ثانیاً، به لحاظ عملی و فیزیکی نیز به گرایش‌های انقلابی و جهادی مسلمانان پاسخ مثبت داده و با تخلیه انرژی و ظرفیت‌های جهادی و انقلابی مسلمانان، تهدید انقلاب و جهاد علیه استکبار جهانی را خنثی سازد.

خوانش وهابیان احتوایی از اسلام، خوانشی است که دو ویژگی مذکور را داراست؛ چراکه اولاً، این خوانش با مشروعیت بخشی به عملکرد حکام سعودی، دست آنان را برای اتخاذ هرگونه سیاستی در حوزه روابط خارجی باز گذاشته و مسلمانان را به پذیرش این سیاست‌ها ملزم دانسته است؛^۲ ثانیاً، اندیشه مذکور با تاکید بر تکفیر اهل شهادتین در گفتمان خویش، ظرفیت و پتانسیل انقلابی و جهادی مسلمانان را به جای مبارزه با

۱. «تجربه تاریخی حکایت از این دارد که نظام پادشاهی عربستان سعودی، حاصل مقابله بریتانیا با خلافت عثمانی و در نتیجه حمایت این کشور از آل سعود است»؛ (الگار، حامد، وهاب‌گیری، ص ۴۳-۳۹؛ سجادی، صادق، دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل آل سعود، ج ۲، ص ۳۹-۲۴)؛ «انگلیس همواره حامی خارجی عربستان سعودی محسوب می‌شد، تا اینکه با دست یافتن آل سعود به نفت و شروع همکاری‌های اقتصادی آمریکا و عربستان بر پایه نفت، بریتانیا جای خود را به آمریکا داد و این کشور حامی جدید عربستان گردید»؛ (الگار، حامد، وهاب‌گیری، ص ۴۲)؛ «بنابراین نظام پادشاهی عربستان همواره متکی به کشورهای غربی به خصوص انگلیس و آمریکا بوده و امنیت خویش را در گرو ایجاد ائتلاف‌های راهبردی با قدرت‌های بزرگ تشخیص داده است؛ در نتیجه اگر کشور عربستان سعودی به جایگاه ام‌القرایی جهان اسلام دست یابد، این جهان را نیز در مسیر سازش با استکبار جهانی و ایجاد ائتلاف با قدرت‌های بزرگ قرار خواهد داد».

۲. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، ج ۷، ص ۱۱۸.

استکبار جهانی و تلاش برای تحقق آرمان فلسطین، صرف مبارزه با یک‌دیگر و مسائلی مانند توسل، استغاثه، بنای بر قبور و... کرده است.^۱

۱ / ۲ / ۲. کم‌توجهی به آرمان فلسطین

در سال ۱۳۷۲ش و مقارن با تلاش گسترده برخی کشورهای اسلامی - عربی جهت عادی‌سازی روابط با اسرائیل، بن‌باز از مفتیان احتوایی، در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه عربستانی "المسلمون"، صلح با اسرائیل را امری ممکن و جایز دانست.^۲ وی با استناد به آیه شریفه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۳ و نیز برخی ادله دیگر، ادعا کرد که اگر حاکم اسلامی (حکام سعودی) صلح با دشمن را مصلحت بداند، مسلمانان می‌توانند به صورت موقت و حتی دائم، به صلح با دشمن اقدام کنند.^۴ او حتی به تمام گروه‌های فلسطینی سفارش کرد که در مورد صلح با اسرائیل به اتفاق نظر برسند و همه فلسطینی‌ها صلح با اسرائیل را بپذیرند.^۵

هرچند این فتوای بن‌باز مورد انتقاد شدید برخی از علمای اهل سنت نظیر شیخ یوسف قرضاوی،^۶ دکتر محمد سعید رمضان البوطی^۷ و دیگران قرار گرفت، ولی متأسفانه بن‌باز و فتوای او تنها اقدام علما و اندیشمندان احتوایی در مشروعیت‌بخشی به علمکرد حکام سعودی در قبال فلسطین نیست؛ در واقع سایر علمای پیرو اندیشه احتوایی نیز به روش‌های گوناگون و با دلیل‌های متفاوتی تلاش کرده‌اند به موضع عربستان در قبال اسرائیل مشروعیت بخشند؛ به‌عنوان مثال، عثمان الخمیسی عالم و اندیشمند احتوایی در پاسخ به این سوال که چگونه می‌توان با یهود تعامل کرد در حالی - که غاصب سرزمین‌های اسلامی است؟ به‌جای تأکید بر مبارزه و جهاد برای تحقق

۱. ابن‌عثیمین، محمد، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۶-۱۲؛ بن‌باز، عبدالعزیز؛ ابن‌عثیمین، محمد، فتاوی مهمة لعموم الامة، ص ۱۰-۸.

۲. بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۱۸، ص ۴۳۹.

۳. سوره انفال، آیه ۶۱.

۴. بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۱۸، ص ۴۳۹.

۵. همان، ص ۴۴۰.

۶. قرضاوی، یوسف، دانش‌نامه جهاد، ج ۲، ص ۱۰۷۵.

۷. "حکم ابرام الصلح من اسرائیل / هام جدا؛"

آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف، تلاش کرده است، مسئله غصب سرزمین‌های اسلامی توسط بیگانگان را امری عادی، عمومی و غیر مختص به اسرائیل جلوه دهد؛ تا بدین وسیله، مخاطبان خود را به این باور برساند که همان‌طور که مسلمانان با سایر غاصبان سرزمین‌های اسلامی در تعامل هستند، با اسرائیل نیز می‌توانند تعامل کنند؛^۱ البته وی برای اثبات ادعای خود، دست به دامن تکفیر شده و برخی از مسلمانان نظیر مسلمانان ایران را کافر و نظام جمهوری اسلامی ایران را غاصب سرزمین اسلامی (ایران) معرفی کرده است.^۲

بنابراین، اندیشه وهابی احتوایی، قرائتی از اسلام است که بر اساس رسالت اصلی خویش، یعنی مشروعیت بخشی به عملکرد حکام و تصمیم‌گیرندگان، برخلاف باور عموم مسلمانان و اندیشمندان اسلامی،^۳ صلح و تعامل با رژیم غاصب و اشغال‌گر اسرائیل را امری عادی جلوه می‌دهد و برای حکام سعودی، فضایی ایجاد می‌کند که در نظام آنارشیک بین‌الملل، آزادانه و در راستای سیاست‌های ابلاغی غرب و آمریکا به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پردازند. جالب اینکه این اندیشه و تاکید آن بر تکفیر اهل شهادتین، به علما و اندیشمندان احتوایی، این امکان را داده است که با دوگانه‌انگاری و ارائه چهره‌ای سیاه از مسلمانان و نیز کشورهای اسلامی، چهره‌ای سفید و قابل دفاع از صهیونیسم و رژیم غاصب و اشغال‌گر اسرائیل ارائه دهند.^۴

۳. زمینه‌سازی برای دخالت بیگانگان در مسائل جهان اسلام

موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک برخی از کشورهای اسلامی موجب شده، غرب و به‌خصوص آمریکا، به‌منظور تثبیت سیاست‌های استکباری خود در خاورمیانه و حتی نظام بین‌الملل، به این کشورها لشکرکشی کنند^۵ و به دخالت در مسائل جهان اسلام اقدام

۱. "هل يجوز التعامل مع اليهود و هو مغتصب الارض الشيخ د. عثمان الخمیس؛

<https://www.youtube.com/watch?v=ErXaUkoPQYo>

۲. همان.

۳. قرضاوی، یوسف، دانش‌نامه جهاد، ج ۲، ص ۱۰۷۹-۱۰۶۹.

۴. هل يجوز التعامل مع اليهود و هو مغتصب الارض الشيخ د. عثمان الخمیس؛

<https://www.youtube.com/watch?v=ErXaUkoPQYo>

۵. صفوی، رحیم؛ شیخانی، عبدالمهدی، اهداف کوتاه مدت و بلند مدت آمریکا در تهاجم نظامی به افغانستان؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ رحیمی، محمد، جایگاه افغانستان در ژئواستراتژی نظام نوین جهانی؛ خانعلی‌زاده، مهدی، راهبردهای ایالت

بنمایند.^۱ مسئله این است که این اقدامات غرب و آمریکا، در عصر حاضر که جهانی- شدن و یا حتی جهانی سازی در سرلیست مباحث حوزه سیاست‌شان قرار دارد، بدون توسل به یک دیپلماسی عمومی بسیار قوی جهت مدیریت افکار عمومی مردم جهان، می‌تواند تبعات منفی بسیار سنگینی برای آنها به دنبال داشته باشد؛ به همین دلیل، غرب و استکبار جهانی همواره اقدامات خود در این باره را با یک دیپلماسی عمومی بسیار قوی پوشش داده‌اند و متأسفانه در برخی موارد، محتوای لازم برای دیپلماسی مذکور توسط اندیشه وهابیت به خصوص اندیشه اقصایی ایجاد شده است.

در واقع همان‌طور که در مباحث قبلی اشاره شد، اندیشه وهابیت (به خصوص اندیشه اقصایی)، با تأکید بر تکفیر اهل شهادتین در گفتمان خویش، به صورت مستقیم و نیز با واسطه، موجب نزاع، جنگ و اختلاف در جهان اسلام و حتی فراتر از آن شده است. این مسئله سبب شده، غرب و آمریکا با تمسک به پروژه‌ی اسلام‌هراسی (اسلام فوبیا)، و با تروریست خواندن گروه‌هایی نظیر القاعده، داعش، جبهه‌النصره و... (گروه-هایی نظیر داعش، خود را پیرو اندیشه وهابی اقصایی می‌دانند)،^۲ به بهانه مبارزه با تروریسم، به جنگ علیه برخی از کشورهای اسلامی و نیز دخالت در مسائل جهان اسلام اقدام ورزند.

به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۱م، بعد از حادثه یازده سپتامبر، آمریکا و متحدان غربی وی به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان لشکرکشی کردند؛^۳ همچنین در سال ۲۰۱۴م، آمریکا ائتلافی بین‌المللی ضد داعش تشکیل داد و در سایه این ائتلاف به برخی عملیات‌های نظامی در دو کشور کلیدی محور مقاومت (یعنی عراق و سوریه)، اقدام کرد.^۴ در این ائتلاف، بیش از چهل کشور، از جمله ده کشور عربی مشارکت

متحدہ آمریکا در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش در منطقه غرب آسیا.
۱. همان.

۲. «دماء الموحدين في جزيرة العرب... قرابين الطواغيت لأسیادهم»؛ (هفته‌نامه النبأ، شماره ۱۲، ۲۴ ربیع الاول سال ۱۴۳۷ق، ص ۳).

۳. «آمریکا حملات نظامی خود را به افغانستان آغاز کرد»؛ (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۸ اکتبر ۲۰۰۱م)؛

https://www.bbc.com/persian/news/011007_ausattack.shtml

۴. «آمریکا از اعلام آمادگی چند کشور عربی برای حمله هوایی به داعش خبر داد»؛ (خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴م)؛



داشتند.^۱

۴. تضعیف کشورهای اسلامی در اثر جنگ داخلی

قدرت، مفهومی است که در علوم مختلف اعم از تجربی و غیرتجربی مورد توجه قرار گرفته است؛ با این حال در علوم سیاسی به دلیل رابطه موجود میان دو مفهوم قدرت و سیاست، توجه ویژه‌ای به این مفهوم شده است؛ به گونه‌ای که قدرت سیاسی به یکی از مفاهیم اصلی و کاربردی قدرت تبدیل شده است.

در اینکه قدرت سیاسی چیست؟ با تعریف‌های متفاوتی مواجه هستیم و اندیشمندان حوزه سیاست، بر اساس گرایش‌های مختلف، اعم از ایدئالیسم، رئالیسم، نئورئالیسم و...، از الفاظ متفاوتی در تعریف قدرت سیاسی بهره می‌برند:

۱. ماکس وبر: قدرت، قرار داشتن در موقعیت برتر است؛ به گونه‌ای که صاحب قدرت خواست خود را به‌رغم هر مقاومتی بر دیگران تحمیل کنند.^۲

۲. راسل: قدرت، توان پدیدآوردن آثار مورد نظر در دنیای بیرونی است؛ خواه آن آثار انسانی باشند و خواه غیر انسانی.^۳

۳. جک. سی. پلنو: قدرت، نفوذ و استیلای یک ملت بر ملت‌های دیگر است.^۴

۴. جوزف نای: قدرت سخت و قدرت نرم، جنبه‌هایی از قابلیت دستیابی به هدف از طریق تاثیرگذاری در رفتار دیگران هستند.^۵

۵. آلیون تالفرا: قدرت در عریان‌ترین شکل خود عبارت است از استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای وادار کردن مردم به انجام امری خاص.^۶

۶. عبدالرحمن عالم: قدرت توانایی تحمیل اراده است به‌رغم مقاومت دیگران؛ همچنین قدرت رابطه‌ای است میان دارندگان و تابعان اقتدار و اینکه قدرت، مشارکت در

https://www.bbc.com/persian/iran/2014/09/140914_l39_kerry_isis_arab_states

۱. همان.

۲. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ص ۶۵.

۳. راسل، برتراند، قدرت، ص ۵۵.

۴. پلنو، جک. سی، فرهنگ روابط بین‌الملل، ص ۶۴.

۵. نای، جوزف، رهبری و قدرت هوشمند، ص ۴۶.

۶. تالفرا، آلیون، جابه‌جایی در قدرت، ص ۲۷.

تصمیم‌گیری است.^۱

نکته قابل توجه این است که تقریباً، همه تعریف‌های ارائه شده برای قدرت، به نوعی تحمیل اراده و توان علم‌یاتی کردن اهداف را مورد توجه قرار داده‌اند؛ با توجه به اینکه تحمیل اراده و علم‌یاتی کردن خواست‌ها می‌تواند از طرق گوناگونی صورت بگیرد و منابع قدرت نیز می‌توانند متفاوت باشند؛ به همین دلیل، نظریه‌پردازان (تئوریسین‌ها) و اندیشمندان سیاسی، اموری مانند موقعیت جغرافیایی،^۲ جمعیت،^۳ منابع ملی،^۴ کیفیت حکومت،^۵ روحیه ملی،^۶ کیفیت رهبری،^۷ اقتصاد،^۸ فرهنگ،^۹ ارزش‌ها،^{۱۰} سیاست خارجی^{۱۱} و... را از منابع قدرت سیاسی برشمرده‌اند.

حال با توجه به توضیح مذکور باید گفت: همان‌طور که اشاره شد، اندیشه وهابیت به‌خصوص اندیشه اقصایی در ادوار مختلف، به‌صورت مستقیم و نیز با واسطه، موجب جنگ، نزاع و بحران در درون جهان اسلام شده است. روشن است که یکی از آثار اصلی این درگیری‌ها، از بین رفتن منابع قدرت و در نتیجه تضعیف کشورها و سرزمین‌های اسلامی است؛ به‌عنوان مثال، به لحاظ جمعیت و منابع انسانی، تنها در سوریه و در طول نه سال جنگ این کشور با داعش و سایر گروه‌های رادیکال (از سال ۲۰۱۱ م تا ۲۰۲۰ م)، ۳۸۴ هزار نفر کشته شدند؛^{۱۲} از لحاظ اقتصادی نیز، بر اساس گزارش‌های معتبر، داعش هنگام جنگ با عراق و سوریه بر بسیاری از پالایشگاه‌ها و چاه‌های نفت

۱. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ج ۳، ص ۸۹.

۲. سیف زاده، حسین، اصول روابط بین‌الملل، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۴۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. نای، جوزف، آینده قدرت، ص ۴۷.

۹. همان، ص ۱۲۲.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۲. المرصد السوري لحقوق الانسان: ۳۸۴ ألف قتيل سقط في سوريا منذ ۲۰۱۱، المرصد السوري لحقوق الانسان

(دیدبان حقوق بشر سوریه)، ۱۵ مارس ۲۰۲۰ م؛

<https://www.syriahr.com/۲۵-ألف-قتيل-۳۸۴-الانسان-المرصد-السوري-لحقوق>

این دو کشور تسلط یافت و از فروش نفت خام روزانه بالغ بر دو میلیون دلار درآمد داشت؛^۱ همچنین صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۳۹۵ش، با انتشار گزارشی اعلام کرد که جنگ در کشورهایمانند عراق، یمن و سوریه سبب شده است که پیشرفت و توسعه‌ی یک نسل در این کشورها از بین برود و میزان فقر و بیکاری در آنها به‌شدت افزایش یابد.^۲ در این گزارش آماده است که اقتصاد سوریه در اثر جنگ، به‌شدت تضعیف شده است؛ به‌گونه‌ای که برای بازگشت به شرایط قبل از جنگ، به بیست سال زمان نیاز دارد؛^۳ یا در نهایت به لحاظ فرهنگی _ آموزشی، سازمان ملل در سال ۱۳۹۴ش، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که تنها در سه سال نخست جنگ در سوریه، دو میلیون دانش‌آموز به دلیل تخریب مدارس، فاقد مدرسه و محل تحصیل شده‌اند.^۴ بنابراین، تفکر وهابیت با پرورش و تقویت تروریسم در جهان اسلام (با توجه به اینکه گروه‌هایی مانند داعش خود را پیرو اندیشه وهابی اقصایی می‌دانند)،^۵ موجب جنگ درونی و در نتیجه از بین رفتن منابع قدرت کشورهای اسلام و تضعیف آنها شده است.

نتیجه

وهابیت اندیشه‌ای است که مبنای آن تکفیر اهل شهادتین است. این اندیشه به‌صورت کلی، در درون خویش به دو اندیشه‌ی احتوایی و اقصایی تقسیم می‌شود. میزان التزام هر

۱. «مقام عراقی: داعش روزی ۲ میلیون دلار درآمد نفتی دارد»؛ (خبرگزاری صدای آمریکا، ۵ شهریور ۱۳۹۳ش)؛

<https://ir.voanews.com/a/iraq-isil-oil-revenue/2430130.html>

(فروش نفت و غارتگری داعش، چشم پوشی برخی کشورها)؛ (خبرگزاری صدا و سیما، ۷ شهریور ۱۳۹۳)؛

<https://www.iribnews.ir/fa/news/55476/چشم-پوشی-برخی-E2%80%8C-فروش-نفت-و-غارتگری-داعش-چشم-پوشی-کشورها>

۲. «صندوق بین‌المللی پول: جنگ در خاورمیانه پیشرفت یک نسل را نابود کرد»؛ (خبرگزاری رادیو فردا، ۲۷ شهریور ۱۳۹۵ش)؛

<https://www.radiofarda.com/a/f7-IMF-says-Mideast-conflicts-wiped-out-gains-of-a-generation/27996292.html>

۳. همان.

۴. «سازمان ملل: ۲ میلیون کودک سوری مدرسه ندارند»؛ (شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، ۲۶ شهریور ۱۳۹۴ش)؛

<http://afghanpaper.com/nbody.php?id=102549>

۵. «دماء الموحدين في جزيرة العرب ... قرابين الطواغيت لأسيادهم»؛ (هفته‌نامه النبأ، شماره ۱۲، ۲۴ ربیع الاول سال ۱۴۳۷ق، ص ۳).

یک از این دو اندیشه، بر مبنای خود، (یعنی تکفیر اهل شهادتین)، آثار سیاسی متفاوتی را در جهان اسلام به بار آورده است؛ برخی از آن آثار از سال ۱۹۰۰م تا عصر حاضر عبارت‌اند از: ۱. پایه‌گذاری نظام پادشاهی عربستان سعودی توسط ملک عبدالعزیز با تکیه بر اندیشه اقصایی. ۲. ترویج اقتدارگرایی و نیز مشروعیت بخشی به سیاست خارجی عربستان سعودی توسط اندیشه احتوایی و در نتیجه، استمرار حکومت اقتدارگرای سعودی. ۳. ایجاد زمینه لازم برای دخالت بیگانگان در مسائل جهان اسلام توسط اندیشه وهابیت، به خصوص اندیشه اقصایی. ۴. تضعیف کشورهای اسلامی در اثر جنگ داخلی.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، بی جا: دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.
۳. ابوابراهمی مزنی، اسماعیل بن یحیی، شرح السنة معتقد اسماعیل بن یحیی المزنی، تحقیق: جمال عزون، عربستان سعودی: مکتبه الغرباء الاثرية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴. ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل، رساله الی اهل الثغریاب الابواب، تحقیق: عبدالله شاکر محمد الجنیدی، مدینه منوره: عمادة البحث العلمی بالجامعة الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۵. بسام، عبدالله بن محمد، تحفة المشتاق فی اخبار نجد و الحجاز و العراق، دمشق: دارالعرب و دارالنور، ۲۰۱۳م.
۶. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوی العلامة عبدالعزيز بن باز، تحقیق: محمد بن سعد الشویعر، بی جا: بی نا، بی تا.
۷. بن باز، عبدالعزيز؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی مهمة لعموم الامة، تحقیق: ابراهیم فارس، ریاض: دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۸. پلنو، جک. سی، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه: ابوالفضل رئوف، تهران: سراى عدالت، ۱۳۸۷ش.
۹. پیشگاهی فرد، زهرا؛ رحیمی، محمد، «جایگاه افغانستان در ژئواستراتژی نظام نوین جهانی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ج ۸، ش ۱۱، ۱۳۸۷ش.
۱۰. تالفر، آلیون، جابه جایی در قدرت، ترجمه: شهین دخت خوارزمی، تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۷۵ش.
۱۱. جمعی از نویسندگان، موسوعة المملكة العربية السعودية، ریاض: مکتبه الملك عبدالعزيز العامة، ۱۴۲۸ق.
۱۲. خانعلی زاده، مهدی، «راهبردهای ایالت متحده آمریکا در ائتلاف بین المللی علیه داعش در منطقه غرب آسیا»، فصل نامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۲، ش ۱، ۱۳۹۵ش.
۱۳. دهقانی، سید جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۱۴. راسل، برتراند، قدرت، ترجمه: نجف دریابندری، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۱ش.
۱۵. رشید، مضای، تاریخ العربية السعودية بین القديم و الحديث، ترجمه: عبدالله النعیمی، بیروت: دارالساقی، چاپ سوم، ۲۰۰۹م.

۱۶. ریحانی، امین، تاریخ نجد الحديث، بیروت: دارالجليل، بی تا.
۱۷. زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموس تراجم الشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم لملايين، ۱۹۸۹م.
۱۸. سجادی، صادق، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، بی جا: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
۱۹. سعید سلیمان، احمد، تاریخ الدول الاسلامیة و معجم الاسر الحاکمیة، مصر: بی نا، ۱۹۶۹م.
۲۰. سیف زاده، حسین، اصول روابط بین الملل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸ش.
۲۱. صفوی، رحیم و عبدالمهدی شیخانی، «اهداف کوتاه مدت و بلند مدت ایالت متحده آمریکا در تهاجم نظامی به افغانستان»، فصل نامه علمی _ پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹ش.
۲۲. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶ش.
۲۳. ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، عربستان سعودی: دار ابن-الجوزی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۲۴. عسه، احمد، معجزة فوق الرمال، بی جا: بی نا، چاپ دوم، ۱۹۷۲م.
۲۵. فاسیلیف، الیکسی، تاریخ العربية السعودية، بیروت: شركة المطبوعات للتوزيع و النشر، چاپ اول، ۱۹۹۵م.
۲۶. فیلبی، عبدالله، تاریخ نجد و دعوة شیخ محمد بن عبدالوهاب، ترجمه: عمر الديرایوی، بیروت: مكتبة الاهلية، بی تا.
۲۷. قرضاوی، یوسف، دانش نامه جهاد، ترجمه: محمد ابراهیم ساعدی رودی، تهران: نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۲۸. کشک، محمد جلال، السعودیون و الحل الاسلامی مصدر الشرعية للنظام السعودی، قاهره: المطبعة الفنية، چاپ چهارم، ۱۹۸۴م.
۲۹. الگارد، حامد، وهايیگری، ترجمه: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ش.
۳۰. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۳۱. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة الحركات الاسلامیة المعاصرة فی السعودیة، ترجمه: عبدالحق الزموری، بیروت: الشبكة العربية للابحاث و النشر، چاپ اول، ۲۰۱۲م.
۳۲. لنچافسکی، ژرژ، تاریخ خاورمیانه، ترجمه: هادی جزایری، تهران: بی نا، ۱۳۷۷ش.
۳۳. لوتسکی، ولادیمیر، تاریخ عرب در قرون جدید از قرن شانزدهم میلادی تا پایان نخستین جنگ جهانی، ترجمه: پرویز بابایی، تهران: بی نا، ۱۳۵۶ش.



۳۴. نای، جوزف، آینه قدرت، ترجمه: احمد عزیزی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ش.
۳۵. نای، جوزف، رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه: محمدرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۷ش.
۳۶. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.
۳۷. "دماء الموحدين في جزيرة العرب... قرابين الطواغيت لأسيادهم"، هفتة نامه النبأ، شماره ۱۲، ۲۴ ربیع الاول سال ۱۴۳۷ق.
۳۸. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه: عباس منوچهری، تهران: مولى، ۱۳۶۵ش.

39. <https://mapnr.blogspot.com>
40. <https://www.bbc.com/persian>
41. <https://www.saba.ye/ar>
42. <https://www.youtube.com>
43. <https://www.syriahr.com>
44. <http://www.afghanpaper.com>
45. <https://www.radiofarda.com>
46. <https://ir.voanews.com>
47. <https://www.iribnews.ir>

